

فصل نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام  
سال دوازدهم، شماره چهل و هفتم، پاییز ۱۴۰۱  
مقاله پژوهشی، صفحات ۱۱۳-۱۳۰

## نقش حزب داشناکسوتیون و کنشگران ارمنی در انقلاب مشروطیت ایران

هایک ساریان<sup>۱</sup>

### چکیده

مرکز ثقل و خاستگاه انقلاب مشروطه تبریز بود و به سرعت به دیگر نقاط ایران گسترش پیدا کرد و موجب شد تا دیگر اقوام و قومیت‌های ایران نیز در شکل‌گیری و پیروزی آن مشارکت داشته باشند. ارامنه از جمله اقوامی بودند که در مشروطیت ایران نقش آفرینی کردند. در این انقلاب حزب داشناکسوتیون ارمنی به رهبری پیرم‌خان پای به عرصه گذاشت و پیروزی آن را هموار کرد. این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای و اسناد انجام شده، به دنبال بازشناسی نقش ارامنه و احزاب ارمنی در مشروطیت ایران است. سؤال اصلی پژوهش حاضر آن است که حزب داشناکسوتیون و ارامنه چه نقشی در جریان مشروطیت داشته است؟ فرضیه مطرح در این پژوهش نیز آن است که حزب داشناکسوتیون و ارامنه قفقاز با وجود اینکه غیر ایرانی بودند، برای برقراری آزادی و همچنین کمک به دیگر هم کیشان ارمنی خود در ایران از هیچ تلاشی برای به ثمر رساندن انقلاب فروگذار نکردند، چون معتقد بودند برقراری مشروطیت در ایران به نفع تمامی ملت‌های منطقه است. داشناکسوتیون از طریق ارتباط با دیگر احزاب آزادیخواه اروپایی، صدای انقلاب ایران را به اروپا رساند. آنها علاوه بر انتقال تجارب حزبی و سیاسی، توانستند منابع مالی احزاب در ایران را از طریق اعنان و مساعدت‌ها برای تأمین تسليحات نظامی برآورده سازند.

**کلیدواژه‌ها:** داشناکسوتیون، کنشگران ارمنی، مشروطیت، پیرم‌خان.

۱. مدرس زبان و ادبیات ارمنی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.  
haikssarin@gmail.com  
تاریخ دریافت: ۰۱/۱۱/۰۴  
تاریخ پذیرش: ۰۱/۰۸/۲۵

## The Role of Dashnaktsutyun Party and Armenian Activists in Iran's Constitutional Revolution

*Haik Sarian<sup>1</sup>*

### Abstract

The constitutional revolution originally started in Tabriz and quickly spread to other parts of Iran and caused other ethnic groups and ethnicities of Iran to participate in its formation and victory. Armenians were among the ethnic groups who had contributions in Iran's constitutionalism. In this revolution, the Armenian Revolutionary Federation (Dashnaktsutyun Party) led by Yeprem Khan stepped in and paved the way for its victory. This research, which was carried out in a descriptive-analytical method and based on library sources and documents, seeks to recognize the role of Armenians and Armenian parties in Iran's constitutionalism. The main question of the current research is what role did the Dashnaktsutyun Party and Armenians play in the process of constitutionalism? Here, the hypothesis is that the Dashnaktsutyun Party and Caucasian Armenians, despite being non-Iranians, spared no effort to bring about the revolution in order to establish freedom and also help their fellow Armenians in Iran, because they believed that Constitutionalism in Iran is for the benefit of all the nations of the region. Dashnaktsutyun introduced the Iranian revolution to Europe through communication with other European libertarian parties. In addition to transferring factional and political experiences, they were able to fulfill the financial resources of parties in Iran through grants and assistance to provide military weapons.

**Keywords:** Dashnaktsutyun, Armenian Activists, Constitutionalism, Yeprem Khan.

---

1. Lecturer of Armenian language and literature at Isfahan University, Isfahan, Iran.  
haiksarin@gmail.com

## درآمد

انقلاب مشروطیت برآمده از افکار و اندیشه‌های گروه‌ها و اقسام مختلف جامعه ایران بود که در مسیر اعتلای مبانی اجتماعی و سیاسی این سرزمین گام برداشته بودند. انقلاب مشروطیت همواره در تاریخ سیاسی ایران از ارزش و اعتبار فراوانی برخوردار است. با این حال بیشتر حوادث و رویدادهای تأثیرگذار بر پیروزی انقلاب مشروطیت مورد بررسی قرار گرفته است و وقایع بعد از پیروزی مشروطیت کمتر مورد توجه بوده است. به همین علت بعضی از عناصر اصلی تأثیرگذار بر شکل‌گیری مشروطیت به کلی از صحنه خارج یا فراموش شده‌است یا اینکه برخی افراد و گروه‌ها از وضع به وجود آمده سود جسته، وقایع را به نفع خود تبیین و تحلیل کرده‌اند.

در جریان انقلاب مشروطیت و روند به پیروزی رسیدن آن، اقسام مختلف جامعه و گروه‌های سیاسی از گرایش‌های متفاوت حضور داشتند، که از جمله آنها می‌توان به دو گروه عمده اشاره کرد: گروه اول، روحانیون و اقسام طرفدار آنها با گرایش‌ها مذهبی و گروه دوم، روشنفکران جامعه و همفکرانشان با گرایش‌ها غربگرایانه بودند. این دو گروه، قسمت اصلی کنشگران انقلاب مشروطیت در ایران را تشکیل می‌دادند. هدف مشترک آنها رهایی از استبداد حاکم بر کشور ایران و استقرار حکومت سلطنت مشروطه بر پایه عدالت بود. اما به غیر از این دو گروه، گروه‌های دیگری مانند ارمنه نیز بودند که افزون‌بر اهداف ذکر شده، با اهدافی دیگر با نهضت مشروطه همکاری کرده و در به پیروزی رساندن آن با گروه‌های ایرانی در یک سنگر به مبارزه پرداختند.

ارمنی‌هایی که در جریان مشروطیت در صفت پیکارجویان قرار گرفتند، بیشتر از ارمنه قفقاز بودند که تجربه جنگ‌های چریکی با دولت عثمانی داشتند. این پیکارجویان بیشتر در قالب گروه‌های چریکی عضو حزب انقلابی داشناکسوتیون ارمنی، فعالیت می‌کردند. حزب داشناکسوتیون در آن زمان برای رهایی ارمنستان غربی که تحت سیطره عثمانی قرار داشت، فعالیت می‌کرد. این حزب به سبب امنیت و موقعیت راهبردی شهر تبریز، آنجا را مرکز فعالیت‌های حزب کرده، و در آنجا با اهداف مشروطه خواهان ایران آشنا شد. اهداف و ایدئولوژی مشروطیت با آرمان‌های حزب داشناکسوتیون همسو بود؛



از این رو حزب برای رهایی ایران از زیر یوق استبداد و برقراری مشروطیت در ایران، تصمیم به همکاری با مجاهدین آزادیخواه مشروطه گرفت. پژوهش حاضر بنا دارد، چگونگی همکاری حزب داشناکسوتیون و پیرمخان، از رهبران گروه‌های فاتح در ایران، با دیگر مجاهدین مشروطیت را مورد بررسی قرار دهد.

### پیشینه پژوهش

در خصوص همکاری ارامنه در مشروطیت ایران بهویژه رهبر پیکارجویان ارمنی، پیرمخان، پژوهش‌های مختلفی صورت پذیرفته است. بیشتر این پژوهش‌ها به صورت کتاب و مقاله منتشر شده‌است. از جمله به تازگی استنادی نویافته از همکاری حزب داشناکسوتیون با مشروطیت به دست آمده است. درباره این اسناد و همکاری ارامنه با نهضت مشروطه، مجموعه مقالاتی در شماره ۷۷ فصلنامه پیمان به قلم ططری (۱۳۹۵ش) با عنوان «معرفی و بررسی سندی نویافته از حزب داشناکسوتیون»، خانلری (۱۳۹۵ش) «پیغم و انقلاب مشروطه» و مزینانی (۱۳۹۵ش) «ارامنه و انقلاب مشروطه ایران» به چاپ رسیده است. از جمله کتاب‌های منتشر شده در این زمینه نیز، می‌توان به کتاب حمامه پیغم، اثر آموریان (۱۳۵۴ش)، ارامنه و انقلاب مشروطه ایران، اثر بربریان (۱۳۹۷ش) و حزب داشناک و جربان نهضت مشروطه، اثر مانوکیان (۱۳۸۹ش) اشاره کرد. در تمام این پژوهش‌ها، زمینه‌های پیوستن ارامنه به انقلاب، گروه‌ها و احزاب ارمنی فعال در مشروطیت، پیکارجویان ارمنی بهویژه پیرمخان، کری و نیکول دومان و به‌طورکلی توصیف و قایع زمان مشروطیت و ارتباط ارامنه با آن از اواسط قرن نوزده تا زمان این انقلاب مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر، سعی کرده به صورت تخصصی تصویر کامل‌تری از رشد سیاسی و فکری ارامنه و مشارکت آنها در انقلاب مشروطیت در بین سال‌های وقوع این انقلاب، فقط با محوریت عملکرد حزب داشناکسوتیون ارائه دهد. همچنین پژوهش با تکیه بر اسناد منتشره در روزنامه‌های ارمنی، برخی ابهامات علیه پیرمخان را برطرف کرده است.

### حضور ارامنه در انقلاب مشروطیت

در دوره مظفرالدین شاه قاجار، در نتیجه اعتراضات و مبارزات مردمی، جنبش

مشروطیت به پیروزی رسید. پس از پیروزی مشروطیت، برای اولین بار در تاریخ ایران، مجلس نمایندگان ملت در تاریخ ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ش، برابر با ۱۵ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ با نام مجلس شورای ملی تأسیس شد (ورهرام، ۴۷۹). مجلس شورای ملی تا پایان حکومت پهلوی دوم در سال ۱۳۵۷ش / ۱۹۷۹ادامه داشت و بیست‌وچهار دوره قانون‌گذاری برگزار کرده است.

هسته‌های اولیه حضور ارامنه و پیوستن آنها به مشروطیت، زمانی شکل گرفت که منازعات دو جناح «مشروطه خواهان» و «مشروعه خواهان» در باب حقوق اقلیت‌های دینی در مقابل هم‌دیگر قرار گرفت (زرگری نژاد، ۱۶۷-۱۴۹). بحث چالش‌برانگیز این دو جناح بر سر تبعیض حقوق اساسی شهروندان بدون درنظر گرفتن عقاید و مذهب آنها بود. مشروطه‌خواهان و دولت مدافعان حقوق اقلیت‌ها بودند (حایری، ۳۹۸). یکی دیگر از چالش‌های ارامنه، نداشتن نماینده در مجلس بود، چون در نظام‌نامه مجلس جایگاهی برای اقلیت‌ها پیش‌بینی نشده بود (خارابی، ۳۲۹-۳۳۰). به رغم رایزنی‌ها و درخواست‌های مکرر، در نهایت با حضور یک نماینده از طرف ارامنه در مجلس موافقت شد و یوسف میرزايان اولین نماینده ارامنه شد. ارامنه خواستار دو کرسی در مجلس بودند. پیرم‌خان و حزب داشناکسوتیون از این مسئله پشتیبانی می‌کردند. ارامنه همچنین با مشکلاتی همچون محرومیت از مشاغل دولتی، خدمت سربازی و بعضی تبعیض‌های اجتماعی روبرو بودند (جلالی، ۱۷). پس از کودتای محمدعلی شاه در ژوئیه ۱۹۰۸ و تعطیلی مجلس، خشم مردم تبریز شعله‌ور شد و به قیام انجامید. در سال ۱۹۰۹ روس‌ها به بهانه حمایت از اتباع خود و ایجاد امنیت وارد تبریز شدند، اما نیت آنها سرکوب قیام مردم و حمایت از رژیم قاجار و اشغال شهر بود. با اشغال تبریز توسط روس‌ها، مبارزان ارمنی تحت تعقیب با مشکلاتی چون مأمن جدید روبرو شدند، بهمین رو به انقلاب پیوستند (همان، ۹۱-۹۲). اعلامیه‌ای که در دوره کوتاه سلطنت محمدعلی شاه توسط حزب داشناکسوتیون صادر شده، به خوبی رویکرد ارمنیان را نسبت به مشروطیت ایران نشان می‌دهد. سند این اعلامیه که در بین مجموعه‌ای از اسناد خریداری شده توسط مرکز اسناد مجلس قرار داشت، در سال ۱۳۹۵ش بازیابی شد. از کلیدواژه‌های این اعلامیه می‌توان به نقض حقوق بشر، فشارهای اجتماعی

اقشار مردم، کمبود کارخانجات، راه‌آهن و علوم و صنایع در جامعه آن روز پی برد. نویسنده‌گان این اعلامیه با استفاده از کلمه «هموطنان» به آنها هشدار می‌دهند: «هموطنان! ما ایرانیان روزهای تاریخی را طی می‌کنیم. مشروطیت ایران در معرض خطر است: شاه مخلوع...»؛ در فرازی دیگر، بار دیگر از این کلمه استفاده شده است: «هموطنان نباید فراموش کنیم که در این مدت زمان مشروطیت، رؤسا و اولیاء امور ما اشخاص مغرض سست عنصری بوده...»؛ در آخر نیز این اعلامیه نیز با سه جمله کلیدی: «پاینده باد اتفاق ملل، نیست باد استبداد و پاینده باد مشروطیت ایران» به پایان می‌رسد (ططری، ۸). از متن این اعلامیه چنین استنباط می‌شود که ارامنه بدون هیچ چشم‌داشت و توقع سیاسی به انقلاب پیوستند و با خطاب قرار دادن واژه هموطنان خود را جزو ملت ایران دانستند و پیروزی و استقرار حکومت غیراستبدادی را به نفع همه ملت قلمداد کردند.

### ۱- نقش کنشگران ارمنی در مشروطیت

با شکل‌گیری انقلاب مشروطه، ارامنه از انزواهی تاریخی خود در حوزه‌های حقوق اجتماعی و سیاسی بیرون آمدند. آنها مصمم شدند تا در مبارزات دور دوم انقلاب مشروطیت پس از کودتای ۱۹۰۷ مشارکت مؤثری داشته باشند. این همکاری با پیوستن مجاهدین ارمنی به رهبری پیرم خان به انقلاب، نقطه عطفی برای ارامنه شد تا تأثیرگذاری بر مبارزات را به نفع خود تغییر دهند (هدایت، ۲۰۱). همچنین ارامنه در حوزه نهادسازی فعالیت‌های اجتماعی به ویژه حوزه بانوان با همکاری آناهیت همسر پیرم خان، نقش برجسته‌ای ایفا کردند (فتحی، ۷۱). به گفته روح الله رنجبر، شواهد و مدارک بسیاری از همکاری بانوان ارمنی در حوزه‌های علمی- فرهنگی و اجتماعی وجود دارد که نشان می‌دهد این همکاری‌ها مشوق بانوان مسلمان در چنین فعالیت‌هایی شدند، چون در آن ایام زنان مسلمان به دلیل موانع سنتی از فراغیری علم محروم بودند (روزنامه ایران نو، ۳۴). با ورود مبارزان حزب داشناکسوتیون از جمله «کری»<sup>۱</sup> به جمع مبارزان تبریز به

۱. کری (Keri)، از فدائیان مبارز حزب داشناکسوتیون و فرمانده گردان چهارم نیروهای داوطلب ارمنی بود. او در جنبش مشروطیت ایران و جنگ جهانی اول مشارکت داشت و در سال ۱۹۱۶ در یکی از جنگ‌ها در رواندوز عراق کشته شد.

رهبری ستارخان، نه تنها بر تعداد مبارزان ارمنی افزوده شده، بلکه موجب شد تا محلات ارمنی نشین به کانون مبارزه و حمایت از جنبش تبدیل شوند (مانوکیان، ۱۰۶-۱۰۹). از طرفی تعیین سرنوشت ایران برای ارامنه که بخشی از جامعه بودند، مهم بود؛ به همین رو ارامنه در تحولات سیاسی و اجتماعی کشور مشارکت کردند (جلالی، ۱۸). مشروطه خواهان نیز برای پیشبرد خواسته‌های خود به ورود جنگجویان ارمنی قفقاز امید بسته بودند؛ زیرا عقیده داشتند این نیروها تجربیات فراوانی در این نوع درگیری‌های محلی دارند. انقلابی‌های قفقاز نیز حق انتخاب نداشتند، چراکه بی‌تر دید استقرار حکومت مشروطه به نفع ارمنیان بود (نیکوکوسيان، ۸۴). بر این اساس ارامنه انجمن «اتحادیه ارامنه تبعه ایران» را تشکیل دادند تا به اهداف مشروطیت خدمت کنند (نوایی، ۱۳۷-۱۳۹).

## ۲- اهداف و آرمان حزب داشناکسوتیون

حزب داشناکسوتیون یا حزب «فلراسیون انقلابی ارمنی»، یکی از احزاب بزرگ ارمنی بود که در سال ۱۸۹۰، با هدف حل مسئله ارامنه ساکن در ارمنستان غربی در شهر تفلیس تشکیل شد (Simonian, 385-386). داشناکسوتیون به معنی همپیمانان، با رهبری کریستاپور میکایلیان<sup>۱</sup>، سیمون زواریان<sup>۲</sup> و استپان زوریان<sup>۳</sup> معروف به رستوم، ایجاد شد. این اشخاص در حقیقت از روش‌فکران ارمنی و از تحصیل کردگان دانشگاه‌های معتبر اروپایی بودند که هسته اولیه این حزب را تشکیل دادند (مانوکیان، ۵۹-۶۴). ایدئولوژی حزب داشناکسوتیون، انقلابی، دموکراتیک و ملی‌گرایانه استی بر مبنای اندیشه‌های سوسیالیزم بود، و هدف آن ایجاد ارمنستان آزاد، مستقل و متحد بود (اوہانیان، ۵۸-۵۹). «دروشاک» و «هنچاک» به عنوان روزنامه رسمی حزب معرفی شد و مانیفست معروف حزب که آزادی کامل ارامنه دریند عثمانی که در گیر مرگ و زندگی بودند، اعلام شد (Simonian, 387).

خطمشی کلی و اهداف بلندمدت حزب داشناکسوتیون، آزادسازی کل سرزمین ارمنستان، یعنی ارمنستان شرقی تحت تصرف روس‌ها و ارمنستان غربی تحت اشغال امپراطوری

1. Chritapor Michaelian  
2. Simon Zavarian  
3. Stepan Zorian

عثمانی بود (جلالی، ۱۲۹). حزب داشناکسوتیون از زمان تشکیل از نظر سازماندهی و راهبردی به شاخه‌های مختلفی تقسیم شد. در دوران انقلاب مشروطیت در ایران، پیروزی و استقرار حکومت مشروطه و برچیده شدن استبداد در ایران از همه جهت به نفع ارامنه و ملت‌های همجوار با ایران بود؛ به همین‌رو حزب داشناکسوتیون تصمیم به همکاری با مشروطه‌خواهان ایران گرفت و برای پیش رد این تصمیم، شاخه نظامی حزب را برای کمک به مجاهدان در جنگ‌های چریکی و محلی تأسیس کرد.

ارمنیان به‌سبب روابط با روس‌ها در مرزهای شمالی، آشنایی با روش فکری سیاسی-اجتماعی روز اروپا و مواجهه با شکست‌ها و پیروزی‌ها در صحنه سیاست روسیه تزاری، خود را نسبت به دیگر ملل انقلابی مسئول می‌دانستند و می‌کوشیدند تا طعم شیرین مردم‌سالاری را به خود و دیگران بچشانند. هسته اصلی حزب داشناکسوتیون در روسیه تزاری شکل گرفت به همین دلیل زمانی که شاخه نظامی آن، در دوره استبداد صغیر، در کنار مجاهدان قرار گرفت، نقش مؤثری در عقب راندن تیروهای محمدعلی شاه و کسب پیروزی برای جبهه مشروطه‌خواه ایفا کرد (طری، ۸-۹). ارامنه قفقاز قبل از ورود به ایران، در انقلاب ۱۹۰۵ روسیه حضور داشتند (بربریان، ۱۹). آزادی‌خواهان قفقاز که در انقلاب بدfrageام ۱۹۰۵ روسیه با شکست مواجه شده بودند به ایران پناه آورده و با اشاعه افکار انقلابی، میلیون و میهان پرستان ایرانی را به مبارزه با رژیم استبدادی تشویق کردند (هوشینگ مهدوی، ۳۱۷-۳۱۸).

### ۳- موقعیت ارامنه و حزب داشناکسوتیون در آذربایجان

بیشترین فعالیت احزاب سیاسی ارامنه در اواخر قرن نوزدهم در ایران شکل گرفت. خاک ایران به قبله آمال انقلابیونی تبدیل شده بود که بسیاری از آنان از ارامنه قفقاز بودند. ارامنه قفقاز از نیمه دوم قرن نوزدهم به نام «فَدَاییان» شناخته شدند. واژه فداییان برگرفته از اسلام و به معنی «از خود گذشتگان» است. فَدَاییان ارمی که عضو حزب داشناکسوتیون بودند، از خاک ایران به عنوان سکوی پرتاپ برای انجام عملیات در استان‌های ارمنی‌نشین عثمانی استفاده می‌کردند (بربریان، ۹۴). بیشتر جمیعت ارامنه در

آذربایجان در شهرهای تبریز، سلماس و خوی ساکن بودند. در تبریز دو محله ارمنی نشین لیل آباد و قلعه قرار داشت. مقر حزب داشناکسوتیون در لیل آباد بود. ارامنه تبریز بیشتر صنعتگر بودند و قدیمی‌ترین کلیسا در تبریز مربوط به سال ۱۷۸۹ بود. ارامنه همچنین در تبریز دارای مراکز فرهنگی-هنری و مدارس بودند (مانوکیان، ۱۰۶-۱۰۷). همانگونه که فرانسه برای انقلابیون ایتالیایی و بلغارستان برای انقلابیون مقدونیه مکانی امن محسوب می‌شد، آذربایجان نیز برای انقلابیون ارمنی پناهگاهی امن به حساب می‌آمد و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. اعضای حزب داشناکسوتیون در آذربایجان به فعالیت‌های انقلابی از جمله تهیه و تدارک اسلحه و مهمات نظامی برای گروه‌های چریکی خود پرداختند و آنها را به داخل مرزهای ارمنستان غربی انتقال دادند (Varandian, 123). تبریز به خاطر امنیت و آرامش و همچنین موقعیت استراتژیک خود، رفته به مرکز اصلی فعالیت‌های حزب داشناکسوتیون تبدیل شد، و حتی دو شماره از ارگان روزنامه دروشک در آنجا به چاپ رسید (مانوکیان، ۱۱۳). انقلاب به ترکان جوان و «داشناک‌ها» که از متحдан آنان بودند این فرصت را داد که با تجمعی نیروها و امکانات به کمک تبریزی‌ها بستابند. رستوم، یکی از رهبران حزب در دیداری که با ستارخان داشت به توافق رسید که علاوه‌بر مشارکت داشناکسوتیون در خیزش تبریز به تهیه بمب و مین و تجهیز نیروهای مبارز تبریز فعالیت کند. آنان علاوه‌بر حضور در شورای فرماندهی، سازماندهی و نظم بخشیدن نیروهای مبارز را نیز بر عهده گرفتند و زیر نظر ستارخان فعالیت کردند (جلالی، ۱۳۶).

#### ۴- توافقات اولیه داشناکسوتیون با مشروطه‌خواهان

رستوم، که از مؤسسین حزب داشناکسوتیون بود، از طرف حزب به ایران آمد و با مشروطه‌خواهان وارد مذاکره شد. در این دیدار افرادی همچون وثوق‌الدوله نایب رئیس مجلس، مستشارالدوله و حاج میرزا آقا‌ابراهیم نمایندگان تبریز و از سران انجمن‌های انقلابی (مانوکیان، ۹۶) و دو تن از مجتهدان تهران، یعنی آقایان سید عبدالله و سید محمد حضور داشتند (Varandian, 203). در جلسات متعدد که در بین سال‌های ۱۹۰۷ تا

۱۹۰۸ برگزار شد، مسائل مهم مورد بحث قرار گرفت و در نهایت دو طرف به توافق رسیدند. داشناکسوتیون از مشروطه‌خواهان خواستار ضمانت کامل در مورد رشد مشروطیت در مقابل اقدامات شاه، حفظ تمامیت ارضی ایران در مقابل توافقات روس و انگلیس و خروج نیروهای ترک از مناطق آذربایجان شد (مانوکیان، ۹۸) و در مقابل داشناکسوتیون متعهد شد از نفوذ و روابط خود در اروپا برای جلب و مساعدت دولت فرانسه از انقلاب مشروطیت استفاده کند (Varandian, 26). آنها همچنین متعهد شدند تا با در اختیار گذاشتند تجربه خود در زمینه مسائل توپخانه و آگاهی‌های نظامی و تأمین منابع مالی در تجهیز نیروهای نظامی و کمک به نیروهای ایرانی در جنگ‌های پارتیزانی همکاری همه‌جانبه داشته باشد (مانوکیان، ۱۰۲). در سال ۱۹۰۸ حزب داشناکسوتیون مذکراتی نیز با ستارخان داشت و با او در این موارد به توافق رسید: ۱- حزب تعهد می‌کند که رزمندگان خود را از قفقاز به تبریز اعزام کند و در خدمت مجاهدان قرار دهد؛ ۲- رزمندگان سلاح‌های خود را به همراه بیاورند؛ ۳- رزمندگان ارمنی متعهد می‌شوند تا آموزش‌های لازم نظامی و جنگی را در اختیار مشروطه‌خواهان قرار دهند و در مناطق استقرار خود به سازماندهی نیروهای مشروطه‌خواه پردازند (نیکوقوسيان، ۸۶-۸۷).

### مشروطه‌خواهان تبریز و ارتباط آنها با حزب داشناکسوتیون

محمدعلی شاه به تعهدات خود در قبال مشروطیت عمل نکرد و مجلس را به توب بست. محیط سیاسی کشور روبه نارامی گذاشت و موجب خیزش مردم تبریز و سرآغاز اعتراضات مشروطه‌خواهان شد. در سال ۱۹۰۸ ستارخان رهبر رزمندگان مشروطه‌خواه توانست محل نگهداری سلاح‌های دولتی را به تصرف درآورد. در چنین شرایطی گروههای آزادیخواه به فدائیان حزب داشناکسوتیون درخواست همکاری دادند (مانوکیان، ۱۱۵-۱۱۶). با شدت گرفتن اعتراضات و شکل‌گیری انقلاب مشروطه، شعبه آذربایجان حزب داشناکسوتیون و برخی رهبران آن مانند رستوم، چگونگی مواجهه با این انقلاب را بررسی کردند (تکمیل، ۵۶). رستوم در سال ۱۸۹۵ با گذرنامه ایرانی به عنوان تاجر، درحالی که سلاح حمل می‌کرد و قصد تجهیز حزب را داشت، وارد ایران

شده بود (آموریان، ۴۹). در کنگره چهارم سال ۱۹۰۷ حزب داشناکسوتیون در ژنو، بعد از بررسی گزارش رستوم از اوضاع ایران و همچنین درخواست‌های مکرر انقلابیون از حزب برای پیوستن به نهضت مشروطیت، کنگره به این نتیجه رسید که چون نتایج این انقلاب در راستای منافع ارامنه خواهد بود، به نهضت ملحق می‌شود (Vratsian, 152-162). داشناکسوتیون تصمیم گرفت با مشروطیت همراهی کند و در عوض خواسته‌هایی نیز داشت. این تصمیم باعث شد تا داشناکسوتیون برای به دست آوردن پایگاه مطمئن در ایران، در کنار رزمندگان ایرانی در برابر سوداگران بیگانه قرار بگیرد (مانوکیان، ۹۳).

### همکاری داشناکسوتیون در خیزش گیلان

پس از اشغال تبریز توسط روس‌ها و پیروزی ترکان جوان هم‌پیمان داشناکسوتیون در ترکیه، داشناکسوتیون تصمیم گرفت نیروهای خود را به گیلان منتقل کند (جلالی، ۱۲۸). در آن ایام استبداد و خشونت از پایتخت به شهرهای سرحدی رسیده بود و سرکوب و دستگیری مشروطه خواهان نیز شدت گرفته بود؛ انجمن‌های آزادیخواه و احزاب یکی پس از دیگری بسته می‌شد (Elmar, 220). در چنین شرایطی پیرم‌خان به رشت رفت و مخفیانه کمیته «ستار» را به جای کمیته «جهانگیر» که متلاشی شده بود، تشکیل داد (همان، ۲۲۱). رهبری کمیته ستار را پیرم‌خان به دست گرفت. اعضای این کمیته از اقوام و گروه‌های مختلف تشکیل شده بود (جلالی، ۱۴۰). بعضی نام کمیته ستار را متأثر از نام ستارخان رهبر جنبش تبریز دانسته‌اند (روزنامه نسیم شمال، ش ۱۳۲۷: ۲۳) پیرم با راهاندازی کمیته ستار و ایجاد اتحاد بین اعضای داشناکسوتیون و ایرانیان، آماده مبارزه شد. پیرم با سروسامان دادن اوضاع برای تهیه اسلحه و مهمات به قفقاز رفت (Elmar, 224). از مشکلات داخلی گیلان خطر شاهسون‌ها، تالشی‌ها و سپهدار تنکابنی بود، که تمامی این مشکلات از طریق مذاکرات پیرم با سران این طایفه‌ها حل و فصل شد و زمینه برای حرکت آماده شد (همان، ۲۲۷). پیرم و یارانش راه را برای فتح رشت مهیا کردند و در ۲۶ ژانویه ۱۹۰۹ به دارالحکومه حمله کرده بر رشت مسلط شدند.

## فتح تهران و پیروزی مشروطیت

مجاهدین آزادیخواه به رهبری پیرم بعد از تصرف رشت به طرف قزوین حرکت کردند. در قزوین مستبدان دولتی که به خاطر تولد شاه به جشن و سرور پرداخته بودند با رسیدن مجاهدین به شهر، سراسیمه از شهر فرار کردند و بعد از آن جنگ بین نیروهای قرجه داغ و مجاهدین درگرفت و تا صبح ادامه داشت، که در نهایت با پیروزی مشروطه خواهان به پایان رسید (کسری، ۲۴). محمدعلی شاه پس از شنیدن خبر تصرف قزوین هراسان شد و به نیروهای مشروطه خواه اعلام کرد حاضر به همکاری با مشروطه است؛ اما آزادیخواهان اعتماد خود را نسبت به شاه از دست داده بودند و تنها راه جلب اعتماد، اجازه ورود آزادیخواهان به تهران و بازگشایی مجلس بود. وقتی شاه از این طریق نتوانست نتیجه مطلوب بدست آورد، خواست تا از طریق اختلاف و نفاق بین گروههای آزادیخواه مانع ورود آنها به تهران شود. ولی این حربه شاه نیز با درایت پیرم خان و با ایجاد وحدت میان سران جنبش، ختی شد و نیروها آماده ورود به تهران شدند (مانوکیان، ۱۷۵-۱۷۳). گروههای آزادیخواه در ۲۹ ژوئن ۱۹۰۹ به تهران رسیدند. مهمترین این گروهها، ارمنه به فرماندهی پیرم خان و بختیاری‌ها به فرماندهی سردار اسعد بودند. معزالسلطان و عمیدالسلطان نیز با افراد خود همراه این گروهها بودند (رائین، ۵۴۱). آزادیخواهان پس از رسیدن به تهران و تصرف مجلس در میدان بهارستان، به طرف ساختمان نیروهای قزاق حرکت کردند. در آنجا جنگ سختی بین ژنرال لیاخوف و گروه آزادیخواهان درگرفت. در نهایت پس مذاکره بین لیاخوف و مشروطه خواهان، لیاخوف تسليم شد و مشروطه خواهان در تاریخ ۲۵ تیر ۱۲۸۸ به پیروزی رسیدند (کسری، ۵۹).

## اوپرای داخلی ایران در دوره مشروطیت

پس از پیروزی مشروطیت، فاتحان در تهران نهادی با نام «مجلس عالی» تشکیل دادند. این نهاد که از اقشار و گروههای مختلف تشکیل شده بود، اوضاع کشور را سروسامان داد و احمد میرزا را به جای شاه مخلوع به سلطنت و عضدالملک را به نیابت سلطنت برگزید. این نهاد همچنین سپهبدار را به وزیر جنگ، سردار اسعد را به وزارت داخله و پیرم خان را به خاطر لیاقت و بروز کاردانی به سرپرستی نظمیه برگزید (جالی، ۱۵۲).

گماردن پیرم خان بر نظمیه، موجب اصلاحاتی در ساختار آن شد. پیرم خان دوایری همچون کمیسارياهای، کلانتری‌ها، گشت شبانه، پلیس مخفی، بربگاد ژاندارم و غیره تأسیس کرد و نظم و قانونی خاص در این اداره به وجود آورد. او همچنین نیروهای با تجربه ارمنی را در اداره نظمیه به خدمت گرفت (سازمان اسناد ملی ایران، ش ۲۹۳۰۰۲۵۳۱: ۷۱۴). اجرای قوانین توسط پیرم که در تقابل با بعضی از جریان‌های سیاسی و مذهبی بود، موجب تخریب این مبارز ارمنی در دوران پسامشروطیت شد. پیرم مجری قوانینی بود که از طرف دولت و مجلس به او ابلاغ می‌شد و بعضی گروه‌ها چون مورد اعمال قانون قرار گرفته بودند، برای تبرئه کردن خود مسئولیت را بر دوش پیرم مسیحی می‌انداختند، در حالی که پیرم فقط مجری قوانین بود، نه بیشتر (جلالی، ۱۵۳). کمیته مرکزی حزب داشناکسوتیون در تهران با مشاهده اوضاع پیش آمده از پیرم تقاضای کناره‌گیری از مناصب دولتی می‌کند، که این امر موجب اختلاف بین طرفداران و مخالفان پیرم در کمیته مرکزی حزب شد (آلیک، ش ۶: ۲۴۱۰۶).

#### ۱- برقراری نظم عمومی پس از مشروطیت توسط پیرم

استقرار آرامش نسبی و سروسامان گرفتن اوضاع آشفته ایران، بالطبع خوشایند دولت روسیه تزاری نبود. دولت روسیه از اینکه یکی از اعضای داشناکسوتیون به چنین مقامی در سازمان نظامی ایران رسیده، خشنود نبود. آنها او را تخریب کرده و «یاغی ارمنی» می‌نامیدند (مانوکیان، ۱۸۰). در همین اثنا، پیرم موفق شد، سورش ملامحمدعلی در زنجان علیه مشروطیت را ختنی کند (Elmar, 310). پس از آرام شدن اوضاع در زنجان، به تحریک روس‌ها، اغتشاشی در تبریز رخ داد. والی تبریز با هماهنگی روس‌ها از دولت مرکزی تقاضا می‌کند تا ستارخان و باقرخان را از تبریز دور کنند، اما پیرم از این کار امتناع می‌ورزد، زیرا چنین عملی را در مقابل همزمان آزادیخواه خود ناشایست می‌دانست (همان، ۳۲۰). پیرم در تبریز با ستارخان و باقرخان دیدار می‌کند و در نهایت سردار و سالار به تهران می‌روند. پیرم یک ماه در تبریز می‌ماند و در آنجا موفق می‌شود تمامی مخالفان مشروطه از جمله شاهسون‌ها که طرفدار نظام استبدادی گذشته بودند را

شکست دهد و بر اوضاع تبریز مسلط شود (مانوکیان، ۱۸۹-۱۸۸).

## ۲- واقعه پارک اتابک و حوادث ناخواسته

پیرم پس از فائق آمدن بر یک سری از مشکلات، با اصرار حزب تصمیم به استعفا و کناره‌گیری از امور دولتی و خروج از کشور می‌گیرد، اما با درخواست‌های مکرر از طرف بعضی از آزادیخواهان و مقامات دولتی، برای برقراری اصول مشروطیت و آرمان‌های آن، از تصمیم خود صرفنظر کرده و به ماندن رضایت می‌دهد (مانوکیان، ۱۹۲). در همین اوضاع و احوال بعضی از مجاهدین آزادیخواه برای به اجرا درآمدن اصول مشروطیت همچنان به فعالیت‌های خود ادامه دادند. مجاهدین در پارک اتابک تجمعی به راه انداختند؛ از این‌رو دولت از آزادیخواهان می‌خواهد که سلاح‌های خود را زمین بگذارند. دولت همچنین پیشنهاد خرید سلاح از مجاهدین را می‌دهد (جلالی، ۱۵۹-۱۶۰). ستارخان و باقرخان به رغم توافق اولیه بر سر استرداد تفنگ‌ها، اما به خاطر بعضی از مسائل همچون تعییض در برخورد با مجاهدین و توافق بر سر قیمت تفنگ‌ها، پایشان به پارک اتابک باز می‌شود (ملک‌زاده، ۸۷۳). در پی تجمع، کم کم نازارمی‌هایی شکل می‌گیرد، پیرم به مجاهدین ۴۸ ساعت فرصت می‌دهد تا سلاح‌ها را تحويل دهنند (جلالی، ۱۹۲). با آشفته‌تر شدن اوضاع بعضی دیگر از نظامیان به دستور رجال سیاسی بدون درنظر گرفتن فرصت ۴۸ ساعته اقدام به تیراندازی می‌کنند. پیرم به ناچار پارک اتابک را محاصره می‌کند و درگیری بین نیروهای دو طرف رخ می‌دهد. ستارخان از فردی نامشخص مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد و زخمی می‌شود. پس از آن نیروهای تحت امر پیرم، مجاهدین را خلع سلاح و راهی زندان می‌کنند و پیرم اوضاع را به گونه‌ای مدیریت می‌کند که کمترین آسیب به مجاهدین وارد شود. پیرم درباره حادثه پارک اتابک می‌نویسد؛ این پیش‌آمد شوم حادثه‌ای ناخواسته بود که با دخالت دست‌های پنهان به وقوع پیوست (Elmar, 350-380). میان پیرم و ستارخان هیچ دشمنی وجود نداشت و پیرم تمام تلاش خود را به کار بست تا این حادثه که دولت روسیه در آن نقش داشت، به وجود نیاید. ماجراهای پارک اتابک، یکی از تلخ‌ترین

حوادث مشروطیت بود (مانوکیان، ۱۹۰-۱۹۱).

### ۳- فرجام کار یپرم و قطع همکاری داشناکسوتیون با مشروطه خواهان

حوادث پیش گفته، باعث خستگی یپرم شد، با این حال تا شکست کامل مستبدان و گروههای طرفدار محمدعلی شاه هنوز راه زیادی باقی مانده بود. محمدعلی شاه در ترکمن صحرا بود و قصد داشت با جمع آوری نیرو به تخت سلطنت برگرد (مانوکیان، ۲۰۰). در تبریز نیز از سال ۱۲۸۷ در مخالفت با اولتیماتوم روسیه، یکی از نزدیکان یپرم به نام «پترس»<sup>۱</sup> از خود رشادت‌های بسیاری نشان داد، اما سرانجام با پذیرش اولتیماتوم و برتری نیروهای روسی، پترس توسط روس‌ها دستگیر و اعدام شد (کسری، ۳۵۷-۳۵۶). یپرم برای فروکش کردن تحرکات ضد مشروطیت شاه مخلوع، یک گروه از مجاهدان زده را به فرماندهی آسلان (اصلان)<sup>۲</sup> به مازندران اعزام کرد. نیروهای یپرم با اقتدار شهرهای بارفروش و ساری و کل مازندران را تصرف کردند و شاه مخلوع نیز سراسیمه به گرازناد فرار کرد (آلیک، ش ۲۴۱۰۷: ۳). پس از فرار شاه، آخرین امید نظام دیکتاتوری سابق به سalarالدوله، برادر شاه دوخته شد که از طرف غرب با جمع آوری نیروهای خوانین کرمانشاه و همدان به طرف پایتحت حرکت می‌کرد. این بار نیز یپرم با دلیری به جنگ با دشمن شافت اما گویا در این جنگ مقدر بود چراغ رهبر آزاداندیشان مشروطه به فروغ بگرود (مانوکیان، ۲۱۰). در روز ۶ مه ۱۹۱۲ در جنگی در روستای بهار از توابع همدان، وقتی یکی از هم‌زمان یپرم توسط نیروهای سalarالدوله زخمی می‌شود و یپرم به نجات او می‌شتابد، خود نیز مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد و در راه خدمت به میهن کشته می‌شود (آلیک، ش ۲۴۱۰۹: ۵). با مرگ یپرم حزب داشناکسوتیون همکاری خود با مشروطه خواهان را به پایان می‌رساند و با شروع جنگ جهانی نیروهای خود را از ایران به جبهه‌های جنگ ارمنستان می‌برد. به این ترتیب رهبران برجسته حزب داشناکسوتیون صحنه مشروطیت ایران را ترک می‌کنند (مانوکیان، ۲۱۲).

1. Petros  
2. Aslan

## نتیجه

گروه‌های مهاجر ارمنی قفقاز که در تشکیلات احزاب سیاسی چون داشناکسوتیون فعال بودند با ورود به ایران، توانستند از طریق روش‌نگری سیاسی بر آحاد مردم وطن‌پرست و آزادیخواه ایران تأثیر گذاشته و در تأسیس و راهاندازی احزاب سوسیال دموکرات ایران و ارتباط آنها با سوسیالیزم جهانی نقش میانجی و هم‌آهنگ کننده داشته باشند. ارامنه عضو حزب داشناکسوتیون از طریق ارتباط با دیگر احزاب آزادیخواه اروپایی و همچنین روابط گسترده این شبکه با مرزهای خارج از کشور باعث شدند تا صدای انقلاب ایران از محدوده جغرافیایی این کشور فراتر رفته و به گوش اروپاییان برسد. حزب داشناکسوتیون از طریق این ارتباطات، علاوه بر انتقال تجارب حزبی، سیاسی و نظامی، توانست منابع مالی احزاب در ایران را از طریق اعانت و مساعدت‌ها برای تأمین تسلیحات نظامی برآورده کند. انقلاب مشروطیت موجب اتحاد دو ملت ارامنه و ایرانی شده بود. مساعدت و همیاری ارامنه مقیم ایران با ارامنه مهاجر قفقاز در تحکیم روابط بین این دو ملت تأثیرگذار بوده است. در این رویداد تاریخی، ارامنه و حزب داشناکسوتیون نیز به دنبال دستاوردهایی بودند. حزب داشناکسوتیون با ایدئولوژی ملی گرایانه و سوسیالیزم آن بیشتر رنگ و بوی وطنی و ملی داشت، توانست با احزاب ملی گرای ایران، که اهداف ضد استعماری داشتند ارتباط برقرار کرده و در یک صفت قرار گیرند. به رسمیت شناختن حقوق اقلیت‌ها بعد از استقرار مشروطیت، از جمله اهدافی بود که حزب داشناکسوتیون و ارامنه به آن رسیدند. اما اهدافی مانند تسهیل ورود نیروهای ارمنی از طریق آذربایجان به استان واسپوراکان در ارمنستان غربی در رویارویی با دولت عثمانی، که می‌باشد از برکات مشروطیت برای ارامنه فراهم می‌شد، به وقوع نپیوست. بعد از انقلاب مشروطیت برخی از گروه‌های سیاسی با حمایت روسیه و انگلستان به دنبال تخریب چهره‌های سرشناس و تأثیرگذار حزب داشناکسوتیون از جمله پرم بودند. آنها تلاش کردند تا چهره‌های تأثیرگذار در مشروطیت را توسط دیگر کنشگران مشروطیت از صحنه خارج کنند.



## منابع

- اوهانیان، طاطاووس، افکار و اندیشه‌ها، تهران، انتشارات ناییری، ۱۳۸۷ ش.
- آلیک، تهران، شماره، ۶، ۲۴۱۰۰، ۱۴۰۰ ش.
- آلیک، تهران، شماره، ۷، ۲۴۱۰۷، ۱۴۰۰ ش.
- آلیک، تهران، شماره، ۹، ۲۴۱۰۹، ۱۴۰۰ ش.
- آموریان، آندره حماسه پیرم، به کوشش هرایر خالاتیان، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۵۴ ش.
- تکمیل همایون، ناصر، مشروطه خواهی ایرانیان، تهران، مرکز بازنگشتنی اسلام و ایران، ۱۳۸۴ ش.
- جلالی، سید سعید، ارامنه و انقلاب مشروطیت ایران، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۲ ش.
- حایری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴ ش.
- رائین، اسماعیل، پیرم خان سردار، تهران، انتشارات تحقیق رائین، ۱۳۵۵ ش.
- روزنامه ایران نو، تهران، شماره ۳۴، ۱۲۸۰ ش.
- روزنامه نسیم شمال، تهران، سال اول، شماره ۲۳-۲۲، ۱۳۲۷ ش.
- زرگری نژاد، غلامحسین، رسائل مشروطیت، تهران، نشر کویر، ۱۳۷۴ ش.
- سازمان اسناد ملی ایران، تهران، انتشارات شهربانی کل، شماره ۲۹۳۰۰۲۵۳۱، ۱۳۵۵ ش.
- فتحی، مریم، کانون بانوان تهران، تهران، موسسه مطالعه تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۳ ش.
- کسری، احمد، تاریخ مشروطه ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۷ ش.
- مانوکیان، آربی، حزب داشناک و جریان نهضت مشروطه، تهران، انتشارات رامنگ، ۱۳۸۹ ش.
- مزینانی، سید محمد رضا، «ارامنه و انقلاب مشروطه ایران»، تهران، فصلنامه فرهنگی پیمان، شماره ۸۷، سال بیستم، ۱۳۹۵ ش.
- ملکزاده، مهدی، تاریخ مشروطیت ایران، تهران، علمی، ۱۳۷۱ ش.
- نوابی، عبدالحسین، فتح تهران، تهران، انتشارات بابک، ۶، ۲۵۳۶ ش.
- هدایت، رضاقلی خان، خاطرات و خطرات، تهران، نشر چشم، ۴، ۱۳۴۴ ش.
- بربریان، حوری، ارامنه و انقلاب مشروطه ایران (۱۲۸۵-۱۲۹۱) عشق به وطن سرزمین نمی‌شناسد، ترجمه سامیه جرفی و حیسن علی‌پناه، تهران، انتشارات شیرازه، ۱۳۹۷ ش.

- خارابی، فاروق، انجمن‌های عصر مشروطه، تهران، موسسه تحقیقات و علوم انسانی، ۱۳۸۶ ش.
- خانلری، کارن، ارمینیان، «پرم و انقلاب مشروطه»، تهران، فصلنامه فرهنگی پیمان، شماره ۸۷، سال بیستم، ۱۳۹۵ ش.
- ططری، علی، «معرفی و بررسی سندی نویافته از حزب داشناکسوتیون»، تهران، فصلنامه فرهنگی پیمان، شماره ۸۷، سال بیستم، ۱۳۹۵ ش.
- نیکوقسیان، آرمیک، «همکاری ارمینیان با مشروطه‌خواهان ایرانی از نگاه هراچیک سیمونیان»، تهران، فصلنامه فرهنگی پیمان، شماره ۸۷، سال بیستم، ۱۳۹۵ ش.
- ورهرام، غلامرضا، نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی در عصر قاجار، تهران، انتشارات معین، ۱۳۸۲ ش.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۱ ش.
- Elmar, H., *Yeprem*, Tehran, Modern Edition, 1964.
- Simonian H., *Haiots Badmootun*, Erevan, University Edition, 2012.
- Varandian, Michael, *Hai H. Dashnaksootian Badmootun*, Tehran, Alik Edition, 1981.
- Vratsian, Simon, *Haiasdani Hanrabedutun*, Tehran, Alik Edition, 1982.